



احمد فهیم حیدر

03/28/2009

## بازار آزاد و چالش های اقتصادی افغانستان

اقتصاد بازار (اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد بنگاه آزاد) یک سیستم اقتصادی است که در آن تولید و توزیع کالاها و خدمات با مکانیزم بازارهای آزاد، که توسط سیستم قیمت آزاد هدایت می شود (به جای بازارهای با برنامه)، انجام می گیرد. ویا اقتصاد بازار آزاد شکلی از سیستم اقتصادی است که در آن عملکردهای اقتصادی، تصمیم روی عملکردهای اقتصادی توسط اشخاص، تصدی ها و سایر عمل کننده های داخل مارکیت انجام می شود و هراز گاهی که تصمیم های متذکره بدون مداخله و هدایت های دولت اتخاذ شود این بازار، آزادی خودش را داراست.

این سیستم بر مبنای نظریات اقتصاد دان مشهور سکاتلند به نام آدام سمیت در سال 1776 میلادی بنیان گذاری شده و دارای تجربه ی 150 ساله می باشد که در بیش از 70 کشور دنیا نتیجه ی مثبت داده است .

به طور کلی اقتصادهای بازار، در تصمیم گیری از پایین به بالا عمل می کنند و اطلاعات ورودی مصرف کنندگان در هنگام خرید محصولات در بازار به تولید کننده می رسد .

از مشخصه های آن می توان مسایل زیر را برشمرد: تضمین مالکیت فردی توسط قانون، مالکیت خصوصی بروسایل تولید، محدودیت مداخله ی دولت در اقتصاد، عاید و درآمد در دست سکتور خصوصی بر حسب خواست و ... .

فردریش فان هایک و میلتون فریدمن می گویند که آزادی اقتصادی شرط لازم برای ایجاد و حفظ مدنیت و آزادی های سیاسی است. آنها معتقدند که این آزادی اقتصادی فقط در یک اقتصاد بازارگرا، و به ویژه اقتصاد بازار آزاد محقق می شود؛ اما آنها گمان می کنند که آزادی اقتصادی کافی در اقتصادهایی قابل دسترسی است که بازارهای آن از طریق قیمت ها و حقوق دارایی خصوصی فعالیت می کنند. به عقیده آنها هر چه آزادی اقتصادی بیشتر باشد، آزادی های مدنی و سیاسی در جامعه افزایش می یابد. فریدمن می گوید:

"آزادی اقتصادی برای آزادی سیاسی یک ضرورت است. اگر مردم بتوانند بدون اجبار یا دستورالعمل مرکزی با هم همکاری کنند، حوزه ی عمل قدرت سیاسی کاهش می یابد".

ولی این سیستم امروزه در افغانستان یا بر اثر ناکارایی دولت و نظام کشور ویا بر اثر عدم کارایی خود سیستم اقتصاد بازار، کماکان به یکی از پراختراق ترین مسله ها در اجتماع ما به حساب می آید. روند بازار آزاد که با برگزاری لویه جرگه و تصویب قانون اساسی درآمده ی دهم ذکر گردیده، توسط سران دولت و متشبثین خصوصی به اشتباه گرفته شده است .

چنان که در آن ماده ذکر گردیده که دولت زمینه های توسعه ی تشبث خصوصی و بازار را مساعد می سازد نه بازار آزاد را، که امروزه میان رسانه های کشور و سکتورهای خصوصی رایج است .

از پیامد های بارز این سیستم بیکاری گسترده، اضافه عرضه، زیر سوال رفتن کار آمدی نظام، تورم و یکی هم ایجاد طبقه های مختلف اجتماعی از منظر اقتصاد است که در رابطه حمیدالله فاروقی استاد دانشکده ی اقتصاد دانشگاه کابل چنین می گوید: "متأسفانه بنابر نبود اهمیت جدی، نزد حکومت در رابطه به مسایل اقتصادی، تدوین و تصویب تعداد زیادی از قوانین، که نظام اقتصادی بازار را قانونمند می ساخت، در اولویت قرار نگرفت"

آقای فاروقی می افزاید: دولت صرف بر ماده ی دهم قانون اتکا کرده و سرمایه گذاران را، که فعالان سکتور خصوصی هستند، حمایت می کند؛ ولی در اکثر موارد بنابر خلا و ضعف قانون، استفاده های سو کردند و این عمل منجر به حالت های احتکار، شبه انحصار و عدم توازن در اجتماع گردید و سبب رشد اقتصاد غیر قانونی گردید. روی همین دلیل هدف اساسی نظام بازار برآورده نشد. آقای فاروقی پیامد های نامطلوب مشهود امروزی را ناشی از نظام بازار آزاد ندانسته بلکه از نبود قانون و یک حالت انارشی قانونی در داخل نظام اقتصاد دانست.

مثال هایی از شکست های بازار یا عوامل برونی، شامل عوامل برونی منفی، انحصار فروش، عدم تأمین کالاهای غیر رقابتی (عمومی) و نابرابری های اجتماعی مانند فقر شدید است. آنچه را که باید در نظر داشته باشیم این است که آیا دولت می تواند نظام اقتصاد بازار را تحت کنترل خود داشته باشد؟ و یا این که برای رفع چنین معضلی از سیستم های تجربه شده ی قبلی استفاده خواهد کرد. در این مورد آقای فاروقی باور دارد: بدبختی های امروزی ما همه ناشی از پیامد های تجربه شده ی نظام های اقتصادی مختلط، سوسیالیستی، کمونیستی، بسته و شبه سوسیالیستی است. وی افزود: ما نمی توانیم از طریق تغییر در نظام اقتصادی موجود، اقتصاد مربوط به تروریسم، مواد مخدر، سلاح، و انارشی اقتصادی را از بین ببریم. بهترین راهکار کامیاب در 100 سال اخیر در مقابل نظام های بسته، کمونیستی و غیره در میدان رقابت های آزاد، نظام اقتصاد بازار آزاد است.

از سوی دیگر آقای سرف الدین سیحون استاد دانشکده ی اقتصاد دانشگاه کابل می گوید: سیستم نظام بازار در ذات خود سیستم بدی نیست ولی نظام بازار از خود شرایط و مکانیزمی دارد که باید ایجاد شود یعنی زیرساخت های جامعه پی ریزی شود، قوانین در رابطه به فعالیت بازار بوجود آید سپس زمینه ی بازار مساعد می گردد.

آقای سیحون معتقد است: در افغانستان باید بین سیستم بازار واقعی، که بر مبنای رقابت، ازدیاد عرضه ی تولید، تأمین عدالت، مالیه دهی و پیشرفت اقتصادی استوار است، با سیستم بازار به نام، تفکیک کرد ولی در کشور ما آنچه به نام سیستم بازار مطرح شده فقط تجارت است و انحصار خصوصی.

آقای سیحون اذعان داشت که جامعه ی جهانی همگام با مداخله ی نظامی، بعضی نهادهای اقتصادی را ایجاد کرد و تعهدات این جامعه برای فقرزدایی و پیشرفت اقتصادی محقق نشد و آنچه به حقیقت پیوست، تسلط گروه های خاص و زورمندان است و این، فرصت را مساعد کرد تا گروهی حاکم، به گونه ی سرسام آور سرمایه دار گردد و گروهی به خط فقر پیوندند و فاصله فقر و ثروت بیشتر شود. استاد مسعود از کارشناسان اقتصادی و استاد در دانشگاه کابل به این نظر است که در افغانستان نظام های اقتصادی و اجتماعی همیشه بالای مردم افغانستان تحمیل شده است و به باور من هر نظام که به اساس مقیضیات، شرایط عینی و ذهنی یک کشور به وجود نیاید، صد فیصد محکوم به مرگ است.

او می افزاید: شش سال پیش خارجی ها آمدند، بازار آزاد را با خود آوردند و بعداً به زور آن را در قانون اساسی ما گنجاندند و این، یک نوع جفا به مردم افغانستان بود. هر نظامی که احتیاج کشور را رفع کند صرف نظر از این که آن نظام چه نام دارد بهترین نظام است. بنابراین نظام بازار آزاد به شرایط مشخصی ضرورت دارد.

آقای مسعود اشاره کرد: در نظام بازار آزاد پنج شرط عمده لازم و ضروری است: 1- دولت مقتدر 2- امنیت 3- قانون 4- زیربنا 5- فرهنگ؛ به این معنا که اگر همین پنج موضوع، به صورت صد درصد در متن حکومت نباشد، هیچگاه ما نمی توانیم بالای نظام بازار آزاد، اقتصاد خود را آماده بسازیم. بنابراین، بازار آزاد در افغانستان علاوه بر این که رفع احتیاج نکرد، احتیاج را دو چندان قوی تر ساخت. سیاست های درهای باز نظام بازار آزاد، قاتل تولیدات داخلی افغانستان است و همین سیاست درهای باز است که کشت مواد مخدر را تشویق می کند تا تولید آن زیادتر شود. چون تولیدات داخلی را تمویل نمی کنند، به گونه ی تشویق می کنند تا به جای گندم تریاک کشت کنند. بنابراین گفته می توانیم که آوردن نظام بازار آزاد، کار تحمیلی بالای مردم افغانستان بوده است.

آنچه را کارشناسان راه حلی برای این معضل دانستند این که دولت موظف است تا سیاست، قانون، مالیه گیری، امنیت، ایجاد زیرساخت ها، حمایت ی قانونی و سهولت های اقتصادی را مساعد کند و فساد اداری را بزدايد تا نظام کنونی بتواند به گونه ی کارا و موثر وارد کار شود.

اما دیدگاه های مردم درین مورد بیشتر برخاسته از واقعیت های زندگی شان است. برای آن ها مهم نیست چه سیستم اقتصادی بی می تواند برای نظام مفید باشد. آنها انتظار دارند حکومت شان سطح اقتصادی خانواده های شان را بلند ببرد و دیگر از فقر به عنوان یک مصیبت رهایی یابند.